

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

بنده دایم نیست از قول این سیاستمدارها و معاریف غربی چیزی بگویم؛ اما این جمله‌ی جالبی است. او میگوید: دو چیز است که اگر در میان مسلمانها دست به دست بگردد و ملت‌های مختلف مسلمان از این دو چیز آگاه شوند، دیگر همه‌ی تابوهای غرب - یعنی اصول جزمی غرب - در هم خواهد شکست و باطل خواهد شد. این دو چیز چیست؟ این متفکر غربی میگوید: یکی قانون اساسی جمهوری اسلامی است؛ که این قانون اساسی، یک حکومت مردمی و پیشرفته‌ی امروزی و در عین حال دینی را در چشم مسلمانان جهان ممکن میسازد. این قانون اساسی نشان می‌دهد که میتوان یک حکومتی داشت که هم متجدد باشد، امروزی باشد، پیشرفته باشد و هم کاملا دینی باشد. قانون اساسی این را تصور میکند. میگوید چنین چیزی ممکن است. این یک، دوم، کارنامه‌ی موفقیت‌های علمی و اقتصادی و سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی است؛ که اگر این دست مسلمانها برسد، می‌بینند که آن امر ممکن اتفاق افتاده است، واقع شده است. او میگوید اگر ملت‌های مسلمان از این امکان و وقوع نسبی که هم ممکن است، هم در ایران امروز اسلامی به طور نسبی واقع شده است، مطلع شوند، این نظام‌سازی را پیش چشم داشته باشند، دیگر جلوی سلسله‌ی انقلابها را نمیتوان گرفت.

بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۷

اولا به شهادت قرآن، ادیان هدف خودشان را عدالت قرار دادند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط». قطعا این آیه حکم میکند بر اینکه هدف ارسال رسل و انزال کتب و آمدن بینات - یعنی حجت‌های متقن و غیر قابل تردیدی که پیغمبران اراده میدهند؛ کتاب، یعنی منشور ادیان در مورد معارف، احکام و اخلاقیات؛ میزان، یعنی آن سنجها و معیارها - قیام به قسط بوده است؛ «لیقوم الناس بالقسط». البته شکی نیست که قیام به قسط و همه‌ی آنچه که مربوط به زندگی دنیایی، اجتماعی و فردی افراد است، مقدمه‌ی آن هدف خلقت است: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون»؛ یعنی عبادت. اصلا هدف خلقت، عباد خدا شدن است؛ که بالاترین کمالات هم همین عبادت خداست. لیکن در راه رسیدن به آن هدف، هدف نوتها و ارسال رسل است؛ که از جمله‌ی آن، آن چیزی است که این آیه به آن تصریح میکند. البته تصریحات دیگری هم در آیات قرآن هست که به سایر اهداف ارسال رسل اشاره میکند، که اینها با یکدیگر قابل جمع است. پس هدف شد عدالت. هدف نظام‌سازی، هدف تمدنها، هدف حرکت بشر در محیط جامعه، شد عدالت. در هیچ مکتب دیگری این وجود ندارد؛ این مخصوص ادیان است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۰/۰۶/۱۷

بنابراین سابقه‌ی فقه سیاسی در شیعه، سابقه‌ی عرفی است؛ لیکن یک چیز جدید است و آن، نظام‌سازی بر اساس این فقه است؛ که این را امام بزرگوار ما انجام داد. قبل از ایشان کس دیگری از این ملتقطات فقهی در ابواب مختلف، یک نظام به وجود نیاورده بود. اول کسی که در مقام نظر و در مقام عمل - تواما - یک نظام ایجاد کرد، امام بزرگوار ما بود؛ که مردم‌سالاری دینی را مطرح کرد، مسئله‌ی ولایت فقیه را مطرح کرد. بر اساس این مبنا، نظام اسلامی بر سر پا شد. این، اولین تجربه هم هست. چنین تجربه‌ای را ما در تاریخ نداریم؛ نه در دوران صفویه داریم، نه در دوره‌های دیگر. اگرچه در دوران صفویه کسانی مثل «محقق کرکی»ها وارد میدان بودند، اما از این نظام اسلامی و نظام فقهی در آنجا خبری نیست؛ حداکثر این است که قضاوت به عهده‌ی یک ملائی، آن هم در حد محقق کرکی با آن عظمت بوده است؛ ایشان میشود رئیس قضات، تا مثلا قضات را معین کند؛ بیش از اینها نیست؛ نظام حکومت و نظام سیاسی جامعه بر مبنای فقه نیست. ایجاد نظام، کاری است که امام بزرگوار ما انجام داد. همان طوری که جناب آقای مهدوی در نطقشان اشاره کردند - که من اجمالا اطلاع پیدا کردم - امام مسئله‌ی ولایت فقیه را در نجف استدلالی کردند و بحث کردند؛ بعد هم در مقام عمل، این را پیاده کردند و آوردند، شد یک نظام اسلامی.

بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی / ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایشهای چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

مراقب این امانت بزرگ باشید. غرور و نیز ساده‌انگاری، دو آفت بزرگ پس از نخستین پیروزی‌هایند. شما مسئول‌ترین افراد در عرصه‌ی نظام‌سازی، حفظ دستاوردهای مردم و حل مشکلات جنبش هستید. قدرتهای ضربه خورده‌ی جهان و منطقه، بی‌شک در افکار شیطان‌ی به سر میبرند؛ از فکر حذف و انتقام، تا طرح فریب دادن و متزلزل کردن و ترساندن و به طمع انداختن شما و سپس به نابود کردن انقلابها و پدید آوردن اوضاع - و العیاذ بالله - بدتر از گذشته می‌اندیشند. تصمیمات، مواضع و اقدامات شما، ابعاد تاریخی خواهد یافت و این دوره، «شب قدر» تاریخ کشورهای شماست.

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۰/۱۱/۱۹

دنیا از غرق شدن در مادیگری سودی نبرد؛ دنیا از رواج دادن آزادی‌های جنسی سودی نبرد؛ بشریت از آنچه که حرکت‌های مادی در اروپا به وجود آوردند - رهائی از معنویت، رهائی از قیود الهی - سودی نبرد؛ نه عدالت را تأمین کرد، نه رفاه عمومی را تأمین کرد، نه امنیت را تأمین کرد، نه خانواده را حفظ کرد، نه توانست تربیت نسل‌های بعدی را بدرستی انجام دهد؛ در همه‌ی اینها ضرر کردند. بله، یک عده‌ای کمپانی‌دارها، بانکدارها و سازندگان سلاح به آلف و الوف دست پیدا کردند - اینها بود - اما تمدن مادی غرب دستاورد بشری نداشت، دستاورد انسانی نداشت؛ خودشان را خوشبخت نکردند، جوامعی را هم که در زیر سایه‌ی اینها و با تقلید از اینها زندگی کردند، خوشبخت نکردند. پیام انقلاب اسلامی، پیام رهائی از این حرکت بدبختی‌زا و فلاکت‌آور است. توجه به معنویت، توجه به اخلاق الهی، در عین حال پرداختن به نیازهای بشری؛ همان چیزی که در اسلام هست؛ حد متوسط. نه افراط کلیساهای کاتولیکی و ارتدوکسی و سختگیری‌های غلط، نه ولنگاری‌هایی که نقطه‌ی مقابل آن در جوامع غربی بر اثر حرکت مادی‌شان به وجود آمد؛ هیچکدام از اینها درست نیست؛ هر دو غلط است. خط اسلام، خط میانه است؛ خط عدالت است. عدالت یک معنای فراگیر و شاملی دارد. در همه‌ی زمینه‌ها عدالت - یعنی هر چیزی را به جای خود نهادن - باید مد نظر باشد؛ خط متوسط انسانی؛ «و كذلك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهدا على الناس».

امروز ملت ایران جزو پیشروان این حرکت است. جامعه‌سازی میکنیم، نظام‌سازی میکنیم، حرکت عمومی و مردمی داریم. سی و سه سال از انقلاب میگذرد. در هیچ جای دنیا جشن یادبود و سالگرد انقلاب، اینجور مردمی نیست. این تنها انقلاب ماست که در هر بیست و دوی بھمنی، جشن را مردم میگیرند. در سرتاسر کشور میلیون‌ها انسان به خیابانها می‌آیند، تظاهرات میکنند، شعار میدهند؛ این در هیچ انقلابی وجود نداشته. انقلاب‌های بزرگی بوده؛ بعضی از اینها را ما در زمان خودمان شاهد قضایایش بودیم، بعضی‌ها را هم در تاریخ خواندیم؛ سالگرد انقلابها بیایند، چند نفر آنجا بایستند، یک گروهی هم جلوبشان رژه برونند، سلام نظامی بدهند. سالگرد انقلابها اینجوری برگزار میشد. یک جشنی بگیرند، یک عده‌ای دعوت بشوند، بخورند و بنوشند. برگزاری سالگرد انقلاب به وسیله‌ی خود مردم، مخصوص انقلاب اسلامی است. بیست و دوی بھمن هر سال، در آن سرما‌های گوناگون، گاهی برف، گاهی یخبندان، گاهی هوای سرد سوزنده، مردم آمدند توی میدان؛ امسال هم به توفیق الهی، با هدایت الهی، با دست قدرت الهی، خواهید دید که باز مردم به میدان می‌آیند. این حرکت، حرکت مردمی است؛ و این به توفیق الهی ادامه دارد. حرکت عمومی است در کشور، و نیروهای مسلح یک بخش عمده‌ای از این حرکت مردمی را برعهده دارند.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی / ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

یکی دیگر از هدفها، نظام‌سازی است. اگر در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام‌سازی نشود، آنها را خطر تهدید میکند. در همین کشورهای شمال آفریقا ما یک تجربه‌ای داریم مربوط به شصت هفتاد سال پیش؛ اواسط قرن بیستم. در همین تونس انقلاب شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار؛ در همین مصر انقلاب شد، کودتا شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار - در جاهای دیگر هم همین طور - اما نتوانستند نظام‌سازی کنند؛ نظام‌سازی که نکردند، این موجب شد که نه فقط آن انقلابها از بین رفت، بلکه حتی آن کسانی که به نام آن انقلابها سر کار آمده بودند، خودشان از این رو به آن رو شدند، صد و هشتاد درجه جایشان را عوض کردند؛ خودشان هم خراب شدند. هم در تونس این اتفاق افتاد، هم در مصر این اتفاق افتاد، هم در سوئدان آن روز این اتفاق افتاد. حدوداً در سالهای ۱۳۴۳ یا ۱۳۴۴ یا ۱۳۴۵، من و چند نفر از دوستان در مشهد رادیوی صوت‌العرب را گرفته بودیم و گوش میکردیم - که صوت‌العرب مصر از قاهره پخش میشد - آنجا سخنرانی جمال عبدالناصر و معمر قذافی و جعفر نمیری را که هر سه در یک جا جمع شده بودند، با هم پخش میکرد. ما در مشهد زیر فشار استبداد و دیکتاتوری له میشدیم، اما از این حرفهای تند و آتشین به هیجان می‌آمدیم و لذت می‌بردیم. خب، عبدالناصر که از دنیا رفت، دیدید جانشینهایش چه کردند؛ قذافی هم دیدید چه جوری شد؛ نمیری هم که وضعش معلوم بود چه جوری شد. خود آن انقلابها هم عوض شدند؛ هم فکر نداشتند، هم نتوانستند نظام‌سازی کنند. باید در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام‌سازی شود؛ باید یک قاعده‌ی مستحکمی به وجود بیاید. این هم یکی از مسائل مهم است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۲/۱۲/۲۱

آنچه ما از مجموع معارف قرآنی استفاده میکنیم و درمی‌یابیم، این است که مطالبه‌ی اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی به‌نحو کامل است؛ مطالبه‌ی اسلام، تحقق کامل دین اسلام است. این آن چیزی است که انسان در مجموع آن را احساس میکند.

بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

خداوند متعال برای آن کسانی که وعده‌ی نصرت داده است، شرطی مقرر فرموده است: و ان الله علی نصرهم لقدير؛ (۱) الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور. (۲) خداوند متعال چهار شاخص را در این آیه شریفه برای آن مومنانی که قدرت در اختیار آنها قرار میگیرد و از زیر سلطه‌ی قدرتمندان جائر خارج میشوند، معین کرده و وعده کرده است که «ان الله علی نصرهم لقدير»؛ خدای متعال قادر است که یک چنین ملتی را نصرت کند و یقیناً هم نصرت خواهد کرد. از این چهار شرط، یکی نماز است، یکی زکات است، یکی امر به معروف است و دیگری نهی از منکر. هر کدام این چهار خصوصیت و چهار شاخص، یک جنبه‌ی فردی و شخصی دارند، لکن در کنار آن، یک جنبه‌ی اجتماعی و تأثیر در نظام‌سازی اجتماعی [هم] دارند. نماز با آن همه راز و رمزی که در حقیقت نماز نهفته است که معراج هر مومن است، «قرآن کل تقی» (۳) است، وسیله‌ی فوز و سعادت است، از همه‌ی اعمال برتر و بالاتر است، حتی نماز دارای جنبه‌ی اجتماعی هم هست. جنبه‌ی اجتماعی نماز این است که یکایک مسلمانان به‌وسیله‌ی نماز با یک مرکز واحدی در تماس میشوند. در آن واحد در وقت نماز، همه‌ی مسلمانان در همه‌ی نقاطی که دنیای اسلام گسترده است، دل را به یک مرکز واحدی متصل میکنند؛ این اتصال همه‌ی دلها به یک مرکز واحد، یک مسئله‌ی اجتماعی است. یک مسئله‌ی نظام‌ساز است، معین‌کننده و شکل‌دهنده‌ی هندسه‌ی نظام اسلامی است. زکات که دارای جنبه‌های فردی است و گذشت و اعطای «ما یحب» را به انسان می‌آموزد که خود این یک تجربه و آزمون بسیار مهم است، اما یک ترجمان اجتماعی دارد؛ زکات در استعمالات قرآنی، به معنی مطلق انقافات است اعم از زکات مصطلحی است که در آیه‌ی شریفه «خذ من اموالهم صدقه» (۴) به آن اشاره شده است؛ زکات یعنی مطلق انقافات مالی، [اما] جنبه‌ی اجتماعی و ترجمان اجتماعی نظام‌ساز زکات این است که انسانی که در محیط اسلامی و جامعه‌ی اسلامی، برخوردار از مال دنیوی است، خود را متعهد میداند، مدیون میداند، طلبکار نمیداند، خود را بدهکار جامعه‌ی اسلامی میداند؛ هم در مقابل فقرا و ضعفا، هم در مقابل سبیل‌الله؛ بنابراین زکات با این نگاه، یک حکم و شاخص نظام‌ساز است. و اما امر به معروف و نهی از منکر که در واقع به نوعی زیربنای همه‌ی حرکات اجتماعی اسلام است که «بها تقام الفرائض»؛ (۵) امر به معروف یعنی همه‌ی مومنان در هر نقطه‌ای از عالم که هستند، موظفند جامعه را به سمت نیکی، به سمت معروف، به سمت همه‌ی کارهای نیکو حرکت دهند؛ و نهی از منکر یعنی همه را از بدی‌ها، از پستی‌ها، از پلشتی‌ها دور بدارند. هرکدام از این چهار شاخص به‌نحوی ترجمان ساخت و هندسه‌ی نظام اسلامی است. در حاشیه عرض بکنیم که این معنای مهم امر به معروف و نهی از منکر را نباید به مسائل زیر نصاب اهمیت منحصر کرد؛ بعضی تصور میکنند امر به معروف و نهی از منکر منحصر میشود به اینکه انسان به فلاں زن یا فلاں مردی که یک فرع دینی را رعایت نمیکند تذکر بدهد؛ البته اینها امر به معروف و نهی از منکر است اما مهم‌ترین قلم امر به معروف و نهی از منکر نیست. مهم‌ترین قلم امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از امر به بزرگ‌ترین معروفها و نهی از بزرگ‌ترین منکرها. بزرگ‌ترین معروفها در درجه‌ی اول عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی؛ این امر به معروف است. معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم؛ هر کسی که در این راه تلاش کند، امر به معروف است؛ حفظ عزت و آبروی ملت ایران، بزرگ‌ترین معروف است. معروفها اینها هستند؛ اعتدال فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تکثیر نسل و تربیت نسل جوان آماده‌ی کشور، رونق دادن به اقتصاد و تولید، همگانی کردن اخلاق اسلامی، گسترش علم و فناوری، استقرار عدالت قضائی و عدالت اقتصادی، مجاهدت برای ملت ایران و وراى آن و فراتر از آن، اقتدار امت اسلامی و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی؛ مهم‌ترین معروفها اینها است و همه موظفند در راه این معروفها تلاش کنند؛ امر کنند. نقطه‌ی مقابل اینها هم عبارت است از منکرها. ابتدال اخلاقی منکر است، کمک به دشمنان اسلام منکر است، تضعیف نظام اسلامی منکر است، تضعیف فرهنگ اسلامی منکر است، تضعیف اقتصاد جامعه و تضعیف علم و فناوری منکر است؛ از این منکرها باید نهی کرد. اولین امر به معروف هم خود ذات مقدس پروردگار است که میفرماید: ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایأتى ذی‌القربى و ینهى عن الفحشاء و المنکر و البغی؛ (۶) خدا امر به معروف و ناهی از منکر است؛ معروفها هم مشخص شده است، منکرها هم معلوم شده است. وجود مقدس پیامبر معظم اسلام (صلی الله علیه و آله) از برترین آمران به معروف و ناهیان از منکر است؛ آیه‌ی قرآنی [میفرماید] «یا مرمم بالمعروف و ینهى عن المنکر»؛ (۷) ائمه (علیهم‌السلام) بزرگ‌ترین آمران به معروف و ناهیان از منکرند؛ در زیارت میخوانید: اشهد انک قد اقمت الصلاه و آتیت الزکاه و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر؛ (۸) مومنین و مومنات در هر نقطه‌ای از جهان اسلام آمران به معروفند که فرمود: و المومنون و المومنات بعضهم اولیاً بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یتقون الصلوه و یتون الزکوه؛ (۹) اینها چهار پایه‌ی اصلی برای نظام‌سازی است که از هرکدام از اینها، شاخه‌هایی منشعب میشود. نظام اسلامی متکی است به اقامه‌ی صلوات، این زکات، امر به معروف، و نهی از منکر؛ یعنی انسجام و ارتباط اجتماعی و قلبی میان آحاد مردم در نظام اسلامی.

بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران / ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند.

سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۹/۰۲/۱۴

یک تحول دیگری که امام به وجود آورد، تحول در نگاه به دین بود؛ مردم، دین را فقط وسیله‌ای برای مسائل شخصی، مسائل عبادی، حداکثر احوال شخصی

میدانستند، فقط برای همین مسئله‌ی نماز و روزه و فرض کنید که وظایف مالی و ازدواج و طلاق؛ در همین حدود؛ دین را، وظیفه‌ی دین و مسئولیت دین و رسالت دین را محدود به این چیزها میدانستند. امام برای دین، رسالت نظام‌سازی و تمدن‌سازی و جامعه‌سازی و انسان‌سازی و مانند اینها تعریف کرد؛ مردم نگاهشان به دین بکلی متحول شد.

...

در یک حوزه‌ی تخصصی‌تر، تحول در میانی معرفتی کاربردی است؛ امام این را به وجود آوردند؛ که این تخصصی است. جزو مسائل حوزوی و کسانی است که دستی در کار فقه و در کار علم اصول و مانند اینها دارند. امام فقه را وارد عرصه‌ی نظام‌سازی کردند؛ فقه از این مسائل دور بود. البته مسئله‌ی ولایت فقیه، هزار سال [بود که] در بین فقها وجود داشت و مطرح میشد، اما چون این امید وجود نداشت که این ولایت فقیه تحقق پیدا بکند، هرگز به جزئیات آن، به مسائل آن پرداخته نمیشد. امام این را وارد مسائل اصلی و فقهی کردند.

بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت / ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به طور خلاصه یک الگویی است مرکب از ایمان و علم و عدل؛ این سه عنصر اصلی است. ایمان به معنای ایمان توحیدی خالص که این ایمان توحیدی خالص، هم در ساخت شخصیت انسانها تاثیر میگذارد، هم در ساخت جامعه و فوآره‌ی عمومی جامعه اثر میگذارد، و هم در عمل شخصی امتداد دارد، هم در شکل اجتماعی. علم با گستره‌ی بی‌انتهای [آن] -هم علم الهی، هم علم طبیعی به آن [معنا] که غربی‌ها هنرشان را در آن نشان دادند، [یعنی] تسخیر طبیعت و تسلط بر طبیعت و مانند اینها- جزو چیزهایی است که در اسلام ممدوح است. بعد انسان عروج میکند از این مرحله به مراحل بالاتر؛ علم به هویت انسان، علم به عالم ملکوت و علوم الهی برتر از این حرفها. این علم شامل همه‌ی این مسائل است. عدل هم به معنای وسیع عدل؛ هم عدالت اقتصادی، هم عدالت قضائی، هم عدالت اجتماعی، [یعنی] عدالت به معنای واقعی کلمه. این، آن چیزی است که امام به ما یاد داده.

بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث / ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

با آمدن پیغمبر یک نظام سیاسی به وجود می‌آید، یعنی هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید -حالا اینکه کدام پیغمبر توفیق پیدا کرد این کار را بکند و کدام توفیق پیدا نکرد بحث دیگری است، لکن هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید- که بتواند این اهداف (بعثت) را با تشکیل برنامه‌ها و مناسبات اجتماعی و مناسبات گوناگون بشری تحقق ببخشد. در این نظام سیاسی، آئین حکمرانی از کتاب خدا گرفته میشود و از آنچه خدای متعال بر پیغمبر نازل میکند، که میفرماید: *بِعِثَ اللَّهُ النَّبیینَ مَبشَرینَ وَمَنذَرینَ* و انزل معهم *الکتابَ بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه*؛ (۶) «لیحکم» یعنی «لیحکم کتاب»؛ این کتاب حکم کند بین مردم در آنچه باید انجام بدهند، و حاکم او است در همه‌ی تنظیم‌های اجتماعی.

